



میوه ممنوع چیست؟ ... آنچنان که تورات به تصریح ، و قرآن به اشاره ، می گوید «بینائی» است . چرا که بنابر آیات قرآن ، خداوند آدم و حوا را ندا میداد و آنان بی هیچ شرمی از عریانی ، خدا را پاسخ میگفتند . اما پس از خوردن میوه ممنوع از عریانیان شرم کردند و پنهان شدند .

اینکه روزهای پیش بی هیچ شرمی خدا را دیدار میکردند و امروز پس از خوردن میوه ، از عریانیان شرم میکنند ، دلیل اینست که تا دیروز به آنچه بودند (عریان) بینائی نداشتند ، و امروز با خوردن میوه ممنوع بینائی یافتند پس درخت ممنوع ، درخت بینائی است ...

خدا میخواست که انسان میوه ممنوع را بخورد یا نه ؟ این را نباید چون داستانیهای انسانی تلقی کنیم کسه مثلا خدا نمی خواسته آدم میوه ممنوع را بخورد ، از این کار بدش می آمده است ، چون در آن صورت نمی گذاشت آدم میوه را بخورد که اراده انسان در برابر اراده خداوند اراده نیست و هر چه او بخواهد میشود . پس خدا میخواسته که میوه را انسان بخورد ، چون بی خوردن میوه انسان بوجود نمی آمد ، و این طرحی است که خداوند تنظیم کرده است تا انسان بوجود

## آیا درخت

## ممنوع

## درخت دانش بود؟

یکی از خدایانندگان محترم سؤال می کنند :

«در سلسله تفسیر تاریخ ادیان و اسلام شناسی ، مطلبی دیده می شود که یا آنچه تاکنون در مکتب اسلام خوانده ایم منافات دارد ، میخواستم توضیح کتبی در این زمینه بفرمائید .  
اینک همین عبارت را از صفحه ۱۶۹ در سیمینم :

بیاید انسانی که هست و در طول تاریخ دارد می شود.

\*\*\*

**پاسخ** - سؤالات زیادی درباره محتویات این دروس از ما شده است که يك نمونه آن سؤال بالا است . و برای روشن شدن پاسخ آن ناچار از ذکر چند نکته هستیم :

۱- بارها گفته ایم یکی از روشنترین دلایل تحریف تورات کنونی همین است که در داستان آفرینش آدم بسا صراحت تمام می گوید درخت ممنوع «درخت علم و دانش» یا «نیکي و بدی» یا «بیمانی» یا «معرفة» بوده است (در هر يك از ترجمه های تورات تعبیری شده است که همه بيك معنی باز میگردند) .

با این ترتیب نخستین و بزرگترین گناه بشر گناه علم و دانش بود . و شاید بهمین دلیل از باب کلیسا در قرون تاریک وسطی با علم و دانش ، و علما و دانشمندان می جنگیدند و از توسعه این گناه ، وحشت داشتند ، و معتقد بودند در روز نخست آدم بقدری بی اطلاع بود که حتی از برای بودن و کشف عورت خود شرم نداشت ، اما هنگامی که از حیوه درخت ممنوع (علم و دانش) خورد و باطلاح آدم حسابی شد گنهگار شد ، و رانده از بهشت و جوار رحمت حق .

اینها سلسله از خرافات و افکار ساختگی دوراهای تاریک است .

برعکس ، قرآن می گوید : آدم پیش از آنکه

در بهشت منزل گزیند از علم و دانش سرشاری بهره مند ، و از شجره علم و دانش بشمارگانی بهره مند شده بود تا آنجا که معلم و استاد فرشتگان شد **(و علم آدم الاسماء كلها سوره بقره آیه ۳۱)** بنابراین ، این آدم با آدمی که تورات تریسی از آن دارد فرق بسیار دارد ، این آدم بزرگترین نمونه قوتش علم و بیماری است و آن آدم گناه بزرگش علم است . این آدم راستی آدم است و آن آدم از همه جا بیخبر - این آدم بخاطر بیماری آفریده شده ، و آن آدم دستور خادد فکر بیماری و علم در منزل خود راه نهد و **با این حال راستی عجیب است که ما منطبق قرآن و تورات تحریف شده را در این زمینه یکی بدانیم ...**

۲- تورات می گوید آدم و حوا نخست هر دو با بودند و از برای خود هیچ شرم نداشتند (۱) این درست ، ولی کجای قرآن می گوید این دو برهنه بودند و از برهنگی خود شرم نداشتند بلکه برعکس قرآن تصریح میکند که هر دو - بشمار خوردن از شجره ممنوعه - احساس لذت داشتند و این لباس پس از نافرمانی خدا و سخت ویدن آما برهنه گردید **«ینزع عنهما لباسهما لیس لهما سوا لثیما»** ( اعراف آیه ۲۶ ) ؛ یعنی شیطانی با فریب خود لباس از تن آن دو بیرون کرد و قسمتهای پنهان بدن آنان را با آنها نشان دهد . در آیه دیگر از همین سوره (آیه ۱۹) می گوید

**قوسوس لهما الشيطان لیبسی لهما ماوری عنهما** «شیطان آنها را دوسوه کرد تا آنچه از بدن آنها پوشیده بود آشکار سازد . بنابراین جمله **«لبت لهما سوا لثیما»** در آیه ۲۶ همین سوره نیز یعنی درختن لباسهای آنها و برهنه شدن آنهاست ، نه اینکه برهنه بودند و نمی پوشیدند .

پس آتسی که قرآن معرفی میکند در آغاز پوشیده و مستور و محترم و انسان بوده است ، و با نافرمانی برهنه می شود . (وقت کنه) اما آدمی که تورات شرم قرآنی کند از آفرینش چون حیوانات برهنه بوده است و حتی بزجرنگی خود هم شرم نداشتند ، آیا با این صراحت قرآن از آن است چنین نشی به آن داده شود و آنرا در ردیف تورات قرآنی دم ؟

بلاوه جمله **«از برای پنهان شرم کردند و پنهان شدند»** که در قوس بالا ذکر شده چه معنی دارد ؟ بین معانی که تورات می گوید از جسم جدا پنهان شدن ، آیا این با منطبق قرآن سازگار است ؟ (۱)

۳- از همه جالبتر **«بخوری»** یا معنی «پایان بخوری» ؛ معنی گرفته است آیا هیچ و مرجی در سخن ، بلائی از این می شود که نفس را به معنی «انبات» و ... را با معنی خوب تفسیر کنیم ؟ پس چرا نام آنرا شجره ممنوعه گذازدند ؟

دستور این چه بود تفسیر و معنی کردن است ؟ اگر این رقم معنی کردن صحیح باشد خوب است درباره سایر قصه ها و منویتهائی که در قرآن وارد شده همین طور تفاوت نکنیم و بگوئیم خدا

میخواسته است این اعمال ممنوعه انجام گیرد و اگر نمی خواست جلوی آنرا می گرفت ، مگر ما در اعمال خود مجبوریم ؟

خدا خواسته است ما آزاد باشیم ، و انسانها را آزادی اراده داده ، و بحال خود گذازده و در عین حال دستورات تشریحی فراوانی برای تربیت آنها صادر کرده است .

پس این استدلال که اگر خدا نمی خواست جلوی آدم را بگرفت کاملاً نادرست است ، زیرا عین این استدلال در مورد گنهگاران نیز صادق خواهد بود ، و در واقع در اینجا (باطلاح) اراده و تکوینی و و تشریحی ، با هم اشتباه شده است . خواسته عزیز ا بقیه شما - با توجه به آنچه

در بالا گفته شد - آیا بهتر این نیست که اینگونه مطالب را پیش از آنکه بصورت درس انتشار دهند بشنر متخصصان فن برسانند و سپس منتشر سازند ؟ تا این اشتباهات روشن پیش نیاید ؟

راستی اگر جوانی این درس را بخواند و باور کند که درخت ممنوع درخت علم و دانش بوده ، و آدم و حوا در آغاز همچون حیوانات ، برهنه بودند و نمی دانستند ، و پس از خوردن از درخت ممنوع علم ، متوجه شدند و از شر خداوند پنهان گشتند ؛ و بعد هم بجرم علم و دانش از بهشت رانده شدند ... در حالی که منطبق قرآن کاملاً مقابل اینهاست ، آیا مستثنی نخواهد داشت ؟

امیدواریم این تذکر دوستانه سبب شود که اصل مشورت را مخصوصاً در مسائل تخصصی فراموش نکنند .

۱- ... آدم گفت که آواز تو را در باغ شنیدم و ترسیدم زیرا که برهنه ام بجهت آن پنهان شدم ا

(تورات ، سفر تکوین ، فصل سوم جمله ۱۰)